

دکتر جاناتان گریر، باستان‌شناسی و عهد عتیق، جلسه ۴، پادشاهی‌های عبری

جاناتان گریر و تد هیلدبرانت ۲۰۲۴ ©

این دکتر جاناتان گریر در تدریس باستان‌شناسی و عهد عتیق است. این جلسه چهارم، پادشاهی‌های عبری است.

خوش آمدید. اکنون می‌خواهیم در مورد پادشاهی‌های عبری صحبت کنیم و این را شروع کنیم تا بررسی خود را ادامه دهیم، با اسرائیل اولیه شروع می‌کنیم و اکنون در مورد زمان‌هایی صحبت می‌کنیم که مردم از این وجود کوچ‌نشینی قبیله‌ای، آنطور که به طور سنتی درک می‌شود، به سلطنت منتقل می‌شوند. اما بحث‌ها و تغییرات زیادی در نحوه مفهوم‌سازی مردم از این موضوع، حتی در سال‌های اخیر، وجود داشته است. قبلاً تصور می‌شد که ما در مورد سلطنت از نظر نوعی الگوی قرون وسطایی فکر می‌کنیم که با بناهای تاریخی، ساختارهای باشکوه و سلسله مراتب پیچیده مشخص می‌شود، جایی که تحقیقات جدید نشان می‌دهد که این رابطه بسیار نزدیک‌تری با برخی از ساختارهای اجتماعی دارد که در این جوامع مشابه که کوچ‌نشینی را اجرا می‌کنند، عملیاتی هستند.

بنابراین، ما به طور خلاصه به آن خواهیم پرداخت، اما با سلطنت اولیه و به طور خلاصه تصویر کتاب مقدس شروع خواهیم کرد. بنابراین، ممکن است به یاد داشته باشید که ما شائول را به عنوان اولین پادشاه اسرائیل داریم که توسط سموئیل در این گذار از دوره داوران مسح شد. و حتی در تصویر کتاب مقدس، نوعی تنش در مورد پادشاهی وجود دارد.

این شخص کیست که اکنون از همه این افراد دیگر بزرگتر خواهد بود؟ آیا این ایده خوبی است یا نه؟ و کاتالیزور آن ممکن است این تهدید فلسطینی‌ها بوده باشد. در کتاب مقدس آمده است که به ما پادشاهی مانند سایر ملت‌ها بدهید. همه یکی دارند.

ما هم یکی می‌خواهیم. اما این انگیزه چیست؟ آیا همانطور که بسیاری می‌گویند، برای گرد هم آوردن این گروه‌های قبیله‌ای برای ایجاد یک جبهه نظامی علیه یا محافظت در برابر فلسطینیان است؟ اما در این داستان‌های اولیه همچنین می‌بینیم که بین گروه‌های قبیله‌ای از شمال و گروه‌های قبیله‌ای از جنوب تنش وجود دارد. پس از ظهور و سقوط شائول، ما داوود را داریم، تصویری بسیار پیچیده از داوود به عنوان یک چوپان، نوازنده، مزدور، جنگجو، پادشاه، زناکار، قاتل و در عین حال مسیح، یک مسیح مسح شده.

به نظر می‌رسد ما سنت‌های مختلفی در مورد او داریم که دوباره در این بافت فرهنگی، در این دوره گذار بین پایان عصر آهن ۱ و آغاز عصر آهن ۲، طنین‌انداز می‌شوند. اکنون، وقتی به باستان‌شناسی روی می‌آوریم، با چالش‌هایی روبرو می‌شویم. یکی از آنها عدم ذکر اسرائیل باستان در این زمان در هیچ کتیبه‌ای است.

ما قبلاً اولین توصیف یا اولین اشاره به اسرائیل را در ستون یادبود مرن پناه ذکر کرده‌ایم، اما تا قرن نهم هیچ اشاره دیگری به آن نشده است. بنابراین، در طول قرن‌های یازدهم و دهم، هیچ اشاره‌ای به پادشاهی اسرائیل یا پادشاهی یهودا یا داوود یا سلیمان یا هر نهاد دیگری که بتوانیم مستقیماً با متن کتاب مقدس با آن ارتباط برقرار کنیم، وجود ندارد. و بنابراین، ما یک مرجع داریم که بسیار نزدیک به این موضوع است، و آن یک مرجع مصری است، لشکرکشی‌ای که توسط شخصی به نام شاشانک از سلسله لیبی در این دوره میانی سوم مصر باستان انجام شد، و او فهرست‌هایی از این مکان‌هایی که فتح کرد، به جا گذاشت، که مشهورترین آنها بر روی دیوارهای کارناک، معبد بزرگ کارناک، است.

او نام مکان‌هایی را که در این منطقه فتح کرده است، ذکر می‌کند که بسیاری از آنها را می‌توان با شهرهای کتاب مقدس مرتبط دانست، تا جایی که می‌توان برنامه سفر او را ترسیم کرد. البته، بحث‌هایی در مورد چگونگی ارتباط این برنامه سفر وجود دارد، اما نشان می‌دهد که او به منطقه تپه مرکزی حمله کرده و علاوه بر جنوب به شمال نیز رفته است. این اتفاق درست در گذار بین سلیمان و پسرش رحبعام در داستان کتاب مقدس در جنوب و یربعام در پادشاهی شمالی رخ می‌دهد.

بنابراین، این اتفاق در زمان سلطنت رحبعام رخ می‌دهد. اما گذشته از این، ما هیچ اشاره‌ای به سلیمان یا رحبعام نداریم، فقط نام چند شهر که با هم همخوانی دارند. علاوه بر این، ما هیچ سابقه آشوری نداریم، اما این خیلی تعجب‌آور نیست زیرا آشور هنوز شروع به گسترش به شام نکرده است.

این اتفاق بعداً در قرن نهم رخ خواهد داد، زمانی که در واقع، ما شروع به ذکر پادشاهان بنی‌اسرائیل و یهودا می‌کنیم. اما کمبود مطالب کتیبه‌ای، به ویژه در مورد سلیمان، پیچیدگی‌هایی دارد. سلیمان، پس از داوود صحنه‌ای شبیه به صحنه‌ی مرگ گانگسترها دارد، زیرا قدرت به سلیمان منتقل می‌شود، ثروت باورنکردنی او توسعه می‌یابد، اتحادهای زیادی با مردمان خارجی از طریق ازدواج برقرار می‌کند، و بت‌پرستی رواج پیدا می‌کند، بت‌پرستی رواج پیدا می‌کند.

بنابراین، این یکی از طنزهای داستان عهد عتیق است، این چهره مورد احترام به خاطر خردش که یکی از بزرگترین بت‌پرستان این پادشاهان بنی‌اسرائیل است. حال، وقتی در مورد سلیمان صحبت می‌کنیم، همانطور که او به عنوان یک پادشاه بزرگ با یک امپراتوری کوچک وسیع توصیف شده است، اینجاست که واقعاً دوست داریم برخی از مواد کتیبه‌ای را ببینیم، و هیچ کدام را نداریم. بنابراین، وقتی به باستان‌شناسی روی می‌آوریم، بیشتر ارتباط با سلیمان از ارتباط معماری یادبود ناشی می‌شود که در صحنه‌ای که به طور سنتی به قرن دهم قدمت داده شده است، سرچشمه می‌گیرد، و مشکل این است که بحث داغی در مورد قرن دهم وجود دارد، چگونه این مواد را تاریخ‌گذاری می‌کنیم، آیا آنها در واقع از قرن دهم هستند یا از قرن نهم، و بنابراین به عنوان تفاوت بین گاهشماری‌های بالا و پایین شناخته شده است.

بنابراین، از آنجایی که هیچ مدرک کتیبه‌ای مستقیمی برای حکومت سلیمان وجود ندارد، بسیاری برخی از معماری‌های یادبودی را که به طور سنتی به این دوره زمانی مربوط می‌شوند، به عنوان مدرکی برای سلطنت سلیمان مرتبط دانسته‌اند. یک سلطنت بزرگ و قدرتمند، زیرا ما در آنچه که به طور سنتی به عنوان قرن دهم شناخته می‌شود، شاهد انفجاری از معماری یادبودی هستیم، دیوارهای کارمات ساخته شده توسط یک دیوار داخلی و یک دیوار خارجی که توسط اتاق‌هایی که می‌توانستند با قلوه سنگ پر شوند یا به عنوان فضاهایی که به دروازه‌های چند اتاقه متصل می‌شدند، شکسته شده بودند، که معروف‌ترین آنها دروازه شش اتاقه با برج‌های نگهبانی وسیع، آستانه‌هایی که درهای بزرگ در آنها قرار می‌گرفتند، و هیجان زیادی در روزهای اولیه باستان‌شناسی با کشف این معماری یادبودی که با سبک‌های خاص سفالگری به دوره سلیمان مربوط می‌شود، هستیم. بنابراین، ما کتیبه‌ای نداریم، اما در واقع، ما سلیمان را در این معماری یادبودی می‌بینیم، حتی به طور خاص در مکان‌هایی که در کتاب مقدس گفته شده او ساخته است.

بنابراین، همه اینها کاملاً هیجان‌انگیز است. با این حال، نظریه دیگری مطرح شده است که نشان می‌دهد، در واقع، معماری که به طور سنتی به عنوان معماری مربوط به قرن دهم میلادی شناخته می‌شد، باید به قرن نهم و دوران سلطنت اومریدها مربوط باشد. و بنابراین، در قرن دهم، معماری بزرگ ناپدید می‌شود و سلیمان اکنون به تصویری باستان‌شناسی برمی‌گردد که بیشتر شبیه تصویر داوود و شائول از نوعی رئیس قبیله است.

بنابراین، ما این را بحث گاه‌شناسی می‌نامیم. از یک سو، گاه‌شناسی سطح بالا و از سوی دیگر، گاه‌شناسی سطح پایین وجود دارد. این دو در بحث‌های چند دهه اخیر توسط دو باستان‌شناس برجسته، آمی مازار، و اسرائیل فینکلشتاین، نمایندگی می‌شوند.

از آن زمان، مزار، گاهشماری خود را کمی به چیزی که آن را گاهشماری متعارف اصلاح شده می‌نامد، تغییر داده است، اما ما در اینجا صرفاً برای سهولت از این اصطلاحات استفاده خواهیم کرد. گاهشماری والا، چارچوب سنتی است و بناهای یادبودی را که می‌بینیم، به آن نسبت می‌دهد. در اینجا، می‌توانید یک نمونه از هازور را با برج‌های نگهبانی و یک دروازه شش اتاقه مشاهده کنید.

اینها پایه‌هایی هستند که دیوارها روی آنها ساخته می‌شدند، و یک دیوار کائوچویی که از یک طرف بیرون زده است. همچنین انبارهای ستون‌داری داریم که به جنگ ازابه‌ها نسبت داده شده‌اند، و بحث بر سر این است که آیا آنها اصطبل یا انبار یا هر دو بوده‌اند. ما آب‌انبارهای بزرگی داریم که در این مکان‌ها وجود دارند و آب‌انبارهای اصلی و بزرگی که به عنوان یکی از شاخص‌های این بنای تاریخی که از نظر معماری بیان شده است، دیده می‌شوند.

این گاهشماری سطح پایین، که با تاریخ‌گذاری مجدد برخی از مراحل فلسطینی از دوره قبلی، یعنی اواخر عصر برنز، آغاز می‌شود، آن بقایای قرن دهم را که به طور سنتی به عنوان قرن دهم شناخته می‌شوند، به قرن نهم تفسیر مجدد می‌کند و آنها را با سلسله اومرید، قدرتمندترین سلسله پادشاهی شمالی که مطمئناً بر بخش بزرگی از جنوب نیز تسلط داشت، مرتبط می‌کند، همانطور که در کتاب مقدس به تصویر کشیده شده و از نظر باستان‌شناسی درک می‌شود. از بین عوامل مختلفی که در این بحث دخیل هستند، بزرگترین آنها است. حال، مشکل بزرگ این است که، همانطور که ممکن است به یاد داشته C14، تاریخ‌گذاری رادیوکربن باشید، در بحث ما در مورد روش‌ها، طیف وسیعی از خطاها وجود دارد.

حدود ۷۵۰۰ سال است. خوب، این دقیقاً تفاوت بین گاهشماری بالا و گاهشماری پایین است. بنابراین، شما مجموعه‌ای عالی از داده‌ها از کسانی که از گاهشماری بالا و کسانی که از گاهشماری پایین حمایت می‌کنند، دارید که در کنار هم قرار گرفته‌اند و هر کدام از موضع خود دفاع می‌کنند.

به نظر من، عوامل باستان‌شناسی زیادی وجود دارد که می‌تواند ما را به سمت گاهشماری سطح بالا یا حداقل گاهشماری متعارف اصلاح‌شده‌ی مزار سوق دهد، که شاید از ما بخواهد تاریخ‌های خود را کمی تغییر دهیم و در عین حال فاصله‌ای بین این مراحل معماری مختلف که به طور سنتی به عنوان قرن دهم و نهم شناخته شده‌اند را در نظر بگیریم. زیرا یکی از مشکلات این است که وقتی قرن دهم تمام می‌شود، مواد باستان‌شناسی زیادی وجود دارد که باید در یک بازه زمانی کوتاه فشرده شوند. همچنین سبک‌های سفالگری خاصی وجود دارد که در زیر لایه‌های تخریب خاصی قرار می‌گیرند، که برخی افراد آنها را با فتح شیشک مرتبط می‌دانند.

اما حتی در آنجا هم، این موضوع پیچیده است زیرا فتح در دنیای باستان چیست؟ آیا فقط ورود به یک شهر و گفتن «من رئیس هستم» است و مردم می‌گویند، بسیار خوب، بفرمایید، یک شهر فتح شده وجود دارد، بنابراین، ما همچنین زمین لرزه‌هایی داریم که از این منطقه عبور می‌کنند و درگیری‌های محلی داریم. بنابراین فقط به این دلیل که یک لایه تخریبی پیدا می‌کنیم که مربوط به زمان شیشک است، باید در نسبت دادن آن، لایه تخریبی به لشکرکشی خاص شیشک که گفته می‌شود حدود ۹۲۵ سال قبل از میلاد رخ داده است، احتیاط کنیم.

پیچیدگی‌های زیادی در مورد تاریخ‌گذاری وجود دارد، چه در قرن چهاردهم میلادی و چه در مورد سبک سفالگری که به آن اشاره کردم. همچنین کاوش‌های جدید هیجان‌انگیز اما بحث‌برانگیزی انجام شده است یکی از کاوش‌ها در شهر داوود به دلیل سیاست‌ها و تفسیرهای باستان‌شناسی پیچیده است، زیرا در منطقه‌ای واقع شده است که فلسطینی‌ها در آن ساکن بوده‌اند.

و بنابراین، شما در برابر کسانی که ممکن است سعی کنند از باستان‌شناسی به عنوان ابزاری سیاسی برای تثبیت حضور خود در آن منطقه استفاده کنند، مقاومت خاصی دارید. بنابراین، این موضوع وارد بحث سیاسی مدرن می‌شود. اما همچنین به عنوان خوراک برای بحث باستان‌شناسی عمل کرده است، به این صورت که در کاوش‌های ایلات مزار، معماری عظیمی کشف شده است که با قدمت‌گذاری بر اساس سفالگری به دوره‌های قبل از قرن نهم بسیار واضح به نظر می‌رسد.

مطمئناً قرن دهم است. بسیاری این معماری عظیم را به آن نسبت می‌دهند. بنابراین، این سوال مطرح می‌شود که چه کسی آن را ساخته است؟ این معماری را باید به چه کسی نسبت دهیم؟ آیا داوود است؟ آیا سلیمان است؟ آیا این یک ساختمان اداری متأخر است، پایه‌های آن؟ ما اکتشافات هیجان‌انگیزی در نام‌ها و نقش مهرها داریم، یکی از آنها را در اسلاید بعدی که از این منطقه بیرون آمده است، صحبت خواهیم کرد.

بنابراین، از نظر باستان‌شناسی، کاوش‌های بسیار هیجان‌انگیزی در این منطقه وجود دارد که به نظر می‌رسد ساختمان‌های بزرگی را در این به اصطلاح شهر داوود نشان می‌دهد. آنها همچنین توسط سازه سنگی پلکانی پشتیبانی می‌شوند که تصویر آن را در اسلاید بعدی نشان خواهیم داد. این دیوار حائل عظیم که برای جلوگیری از لغزش شهر به داخل دره کیدرون ساخته شده است.

و وقتی آن دیوار حائل عظیم را می‌بینید، مطمئناً نشان می‌دهد که معماری قابل توجهی در بالای آن وجود داشته است. قدمت سازه سنگی پلکانی، باز هم، حدس بزنید چه؟ مورد بحث است. اما ما معماری‌های مهم زیادی در این منطقه داریم که می‌توانستند در این دوره زمانی به عنوان پایتخت اسرائیل اولیه عمل کنند.

یکی دیگر از کشف‌های هیجان‌انگیز این منطقه، شهر کربیت است. قیافه، که باز هم موضوع بحث در مورد نسبت دادن آن به چه کسی بوده است. بنابراین، این یک مکان اولیه است، اگر نه حداقل دهمین، اما بسیاری می‌گویند یازدهمین یا گذار بین این دوره‌ها. و باز هم، بستگی به تاریخ‌گذاری در اینجا دارد.

اما اگر قدمت آن به زمان داوود برسد، این نشانه‌ای از یک دولت متمرکز خواهد بود که می‌توانست دامنه خود را حتی به دره‌ها گسترش دهد. بنابراین، شما این قلعه‌های دره‌ای را دارید که در برابر هرگونه تهاجم از دشت‌های ساحلی محافظت می‌کنند. بنابراین، قیافه به بخش مهمی از این بحث در مورد نیروی کششی-فشاری تبدیل شده است که از طریق دره‌ها، نه چندان دور از گت، که یک مرکز اصلی فلسطینیان، احتمالاً مهم‌ترین مرکز فلسطینیان در این دوره زمانی بود، به جلو و عقب می‌رود.

بنابراین، بحث دوباره ادامه دارد، و بخش زیادی از آن به چگونگی درک داده‌های کتاب مقدس بستگی دارد. بنابراین، ما دوباره به برخی از آن افراط و تفریط‌ها بین کسانی که داده‌های تاریخی کتاب مقدس را به حداقل می‌رسانند و کسانی که آن داده‌های تاریخی را به حداکثر می‌رسانند، برمی‌گردیم. وقتی در مورد سلیمان فکر می‌کنیم، یک قدم به عقب برمی‌داریم و به او در متنش نگاه می‌کنیم، از داده‌های کتاب مقدس این تصویر از امپراتوری سلیمان را به عنوان یک امپراتوری قدرتمند استنباط می‌کنیم.

این موضوع بر اساس شواهد باستان‌شناسی مورد تردید قرار گرفته است. اما کاوش‌های جدیدی در دره آراوا مدرن، منطقه سنتی ادوم، انجام شده است که اخیراً موضوع بحث‌های زیادی بوده است. اوج فعالیت‌ها به قرن‌های یازدهم و دهم میلادی برمی‌گردد، که نشان می‌دهد یک جامعه کوچ‌نشین وجود داشته که در منطقه بین فاینان در اردن و تیمنا در جنوب دریای سرخ، به تولید عمده مس مشغول بوده‌اند.

بنابراین، شما این منطقه عظیم را دارید که تولید گسترده فلز را نشان می‌دهد. ما بیش از ۱۰۰۰۰۰ تن سرباره‌ها محل ذوب و بیش از ۱۰۰۰۰ معدن در این مکان‌ها شناسایی کرده‌ایم. برخی از این چاه‌ها تا ۷۰ متر عمق دارند که پی‌سابقه است و تا دوره روم دوباره دیده نشده است.

بنابراین، این یک جامعه سیاسی بسیار بزرگ است که فعالیت می‌کند اما ظاهراً در چادرها ساکن است. بنابراین، این پرسش وجود داشته است که ما در مورد سازمان‌های اجتماعی چه فکر می‌کنیم. چگونه کار می‌کند؟ آیا ما هنوز با الگویی از پادشاهی به عنوان نوعی سیستم فئودالی با یک پادشاه در رأس آن که در یک کاخ مجلل زندگی می‌کند، کار می‌کنیم؟ شاید بهتر باشد بیشتر به مدل‌های کوچ‌نشینی انجمن‌های قبیله‌ای فکر کنیم؟ و ما در مورد این موضوع زمانی که در مورد محیط اجتماعی اسرائیل باستان صحبت می‌کنیم، صحبت خواهیم کرد.

برخی پیشنهاد می‌کنند که انتظارات خود را از امپراتوری قدرتمند سلیمان مورد بازنگری قرار دهیم. ما داده‌های کتاب مقدسی داریم که نشان می‌دهد فهرست‌های اداری که در این زمان در حال اجرا بودند، می‌توانند به خوبی با جغرافیای تاریخی مرتبط باشند. و البته، ما همچنین این خاطره را از زمانی داریم که شمال و جنوب یک پادشاهی بودند، نه دو پادشاهی، تحت فرمانروایی داوود و سلیمان.

وقتی به زمینه باستان‌شناسی نگاه می‌کنیم، می‌توانیم به اهمیت مسیرهای تجاری که از سرزمین‌های بین این دو منطقه عبور می‌کنند نیز اشاره کنیم. و ممکن است بازتابی از این موضوع وجود داشته باشد، برای مثال، در داستان ملکه سبا، مسیرهای تجاری عربستان، اشاره به تلاش‌های دریانوردی و تولید مس در وادی فیان و دره تیمنا که من در مورد آنها صحبت کردم. سپس یک کشف بسیار هیجان‌انگیز نیز داریم، در واقع، شاید دو کشف که در اسلایدهای بعدی به آنها اشاره خواهم کرد.

بله، سنگ یادبود تل دان که در تل دان پیدا شده است. سنگ یادبود مشا، که اولین آن، سنگ یادبود تل دان، به صراحت از خاندان داوود نام می‌برد. بنابراین، ما در مورد این آمدن صحبت خواهیم کرد، اما این مربوط به قرن نهم پیش از میلاد است و به خاندانی از دودمان داوود اشاره دارد.

و ما در فاصله چند نسل از این دوره زمانی هستیم. بنابراین، اگر از این خانه سلسله‌ای به عقب نگاه کنیم، به نظر می‌رسد که از نظر تاریخی و کتاب مقدسی طنین‌انداز است. وقتی به این پروژه‌های ساختمانی، به این مسئله معماری یادبود می‌رسیم، این سازه سنگی پلکانی است که به آن اشاره کردم.

و در اینجا دروازه‌های حصور، مجدو و جازر را می‌بینیم که ییگال یادین، یکی از باستان‌شناسان بزرگ اولیه اسرائیلی، با خواندن متن او از کتاب اول پادشاه و مشاهده شباهت‌های معماری آن با این دروازه‌های شش‌گانه، بسیار بسیار هیجان‌زده شد. و گفت، بفرمایید. ما این دروازه‌هایی را داریم که کتاب مقدس می‌گوید سلیمان ساخته است.

آنها الگوی معماری یکسانی دارند. بنابراین، این یکی از پایه‌های این درک سنتی از گاهشماری است. همانطور که اشاره کردم، برخی از این موارد مورد سوال قرار گرفته است.

برخی کاوش‌ها مشخص کرده‌اند که این مفهوم دیگر با این مفهوم همخوانی ندارد، به‌ویژه در مگیدو، در حالی که برخی دیگر، مانند حصور، ظاهراً هنوز هم با این برداشت سنتی کاملاً مطابقت دارند. باز هم، همانطور که حدس زدید، در مورد هر یک از این موارد بحث وجود دارد. اولاً، این بحث مربوط به باستان‌شناسی است.

وقتی به معبد و کاخی در اورشلیم نگاه می‌کنیم، دوباره به این معماری عظیم که در شهر داوود کشف شده و سازه‌ی پلکانی که اینجا می‌بینیم، توجه می‌کنیم. مردم همچنین به شهرهای انبار و شهرهای ارباب‌رانی شاه سلیمان اشاره کرده‌اند. در ابتدا، این شهرها در مگیدو شناسایی شدند، جایی که برخی از این انبارها یا اصطبل‌های ستون‌دار را داریم.

و باز هم، در این بحث مربوط به گاهشماری، باستان‌شناسان مختلف تاریخ‌های متفاوتی برای آنها تعیین کرده‌اند. وقتی به پادشاهی‌های خاص، که با پادشاهی شمالی یا پادشاهی اسرائیل شروع می‌کنیم، نگاه می‌کنیم ارتباط روشن‌تری بین تاریخ، آنطور که توصیف می‌کنیم، و تاریخی که می‌تواند با اسناد باستانی و همچنین باستان‌شناسی تأیید یا مرتبط باشد، می‌بینیم. بنابراین، چند نمونه از این موارد را در اینجا خواهیم دید.

روایت کتاب مقدس از ریشه‌های پادشاهی شمالی این است که در پاسخ به بی‌توجهی رحبعام به فریادهای مردمش، یربعام اول، که به عنوان یک مقام وفادار در زمان سلیمان کار کرده بود، به عنوان پادشاه تاجگذاری شد. پادشاه تاجگذاری شده. من از آن استعاره‌های قرون وسطایی استفاده می‌کنم.

او همیشه به درون ما رخنه می‌کند. طبق برداشت سنتی، او حدود سال ۹۳۰ به مقام فرمانروای این پادشاهی شمالی ارتقا یافت. و او نمی‌خواست مردم به اورشلیم، پایتخت پادشاهی جنوبی، بروند.

بیتیم که بسیاری آن را بتل بدانند، به طور قطعی شناسایی نشده است. اما به دن بگوئید که ما بقایای گسترده‌ای داریم، که مشخصاً مربوط به قرن‌های نهم و هشتم است.

و همچنین بقایای بسیاری از قرن دهم که ما، بسیاری از ما، آنها را به این پروژه ساختمانی اولیه یربعام اول نسبت می‌دهیم. و به ویژه، معبدی در دان که در سخنرانی بعدی به طور خلاصه در مورد آن صحبت خواهیم کرد. وقتی به تصویر کلی نگاه می‌کنیم، در مقدمه به این نبرد قرقر در سال ۸۵۳ قبل از میلاد اشاره کرده‌ام. ما نمونه‌های زیادی از قدرت اومریدها داریم.

آنها قطعاً یک قدرت بین‌المللی بودند که باید روی آنها حساب کرد. همانطور که می‌بینیم، صرف نظر از بالا یا پایین بودن گاهشماری، پروژه‌های ساختمانی گسترده‌ای را می‌توان به اومریدها نسبت داد. برای مثال، شهر جزریل و دره جزریل را داریم.

ما در مگیدو، صرف نظر از گاهشماری بالا یا پایین، معماری گسترده‌ای داریم. ما در کتیبه‌های آشوری به درگیری بین اسرائیل و امپراتوری بزرگ آشور اشاره کرده‌ایم. وقتی که ما همچنین نیاز داریم کتیبه‌ای واقعاً مهم از ستون سنگی مشا یا سنگ موآبی را بیاوریم، کتیبه‌ای هیجان‌انگیز که از پادشاه مشا موآب، که از کتاب مقدس شناخته شده است، و همچنین از خدای او، کاموش، همانطور که از کتاب مقدس می‌دانیم، نام می‌برد.

و همچنین یهوه و برخی استدلال می‌کنند، حتی در یک بخش ناقص، به خاندان داوود اشاره دارد، همانطور که ستون سنگی تل دن نیز به آن اشاره دارد. اما نکته قابل توجه در مورد گواهی بر اومریدها این است که مقدمه کتیبه پادشاه مشا به ظلم اومریدها از دیدگاه موآبیان، ظلم اومریدها به موآب اشاره می‌کند. بنابراین، این به تسلط اومریدها بر منطقه ماوراء اردن موآب اشاره دارد.

سلسله عمرید در توصیف کتاب مقدس به دست شخصی به نام یهو به پایان می‌رسد، جایی که یهو نه تنها پادشاه شمال، یورام، بلکه پادشاه جنوب، اخزیا را نیز می‌کشد. و ما دوباره در اینجا ارتباط شگفت‌انگیزی با ستون سنگی تل دن پیدا می‌کنیم. حال، ستون سنگی تل دن از فردی صحبت می‌کند که پادشاهی خاص را می‌کشد، که نامش شکسته شده است، اما به عنوان یورام، پادشاه اسرائیل، و شخصی به نام اخزیا، که دوباره نامش شکسته شده است، بازسازی می‌شود، که پادشاه خاندان داوود است.

خب، اینجا یهودا است. پس، این ارتباط نزدیک با یک استثنا بزرگ وجود دارد. کتیبه سنگی قطعاً از دیدگاه آرامی صحبت می‌کند.

این کتیبه از پرستش خدای حداد صحبت می‌کند. بنابراین، برخی می‌گویند که این یک ستون یادبود از حزائیل است. حال، این دو لزوماً با هم ناسازگار نیستند، به این معنی که یهو ممکن است کاملاً با قدرت‌های آرامی هماهنگ عمل کرده باشد و حزائیل اعتبار آن دو ترور را به خود اختصاص داده است.

اما باز هم، این ریشه‌دار بودن، این ارتباط بین آنچه در اسناد باستان‌شناسی و کتاب مقدس می‌یابیم، وجود دارد. از یهو همچنین به طور مشهوری در ستون هرمی سیاه شلمانسر سوم یاد شده است، و حتی برخی می‌گویند که او در حالی که در مقابل شلمانسر زانو زده است، به تصویر کشیده شده است، بنابراین تصویری از یک پادشاه اسرائیلی داریم. ما از کتاب مقدس می‌دانیم، و این موضوع در اسناد سارگون دوم نیز تأیید شده است، که اسرائیل در نهایت تسلیم فشار نئو-آشوری می‌شود.

قرقر برگردیم، اخاب توانست در سال ۸۵۳ شلمانسر سوم را متوقف کند، اما تا دهه ۸۴۰، یهو در حال تسلیم شدن در برابر قدرت آشوری بود و با هر لشکرکشی سالانه، آشور بیشتر و بیشتر و بیشتر پیشروی می‌کرد و سرانجام موفق به تصرف سامره شد. ما شواهد باستان‌شناسی گسترده‌ای از تخریب سامره نداریم، اما تغییراتی در معماری آن داریم، اگرچه باستان‌شناسی سامره بسیار بسیار پیچیده است. اما ما هم در آشور و هم در کتاب مقدس، سوابقی داریم که نشان می‌دهد این پایان پادشاهی شمالی بوده است.

بنابراین، اکنون به پادشاهی جنوبی یهو می‌پردازیم و به یاد داریم که همانطور که در مورد این خاندان داوود صحبت کردیم، واقعیت عجیبی داریم که در آن آنها به عنوان یهودا شناخته نمی‌شوند؛ آنها در واقع به عنوان خاندان داوود شناخته می‌شوند. ما همچنین خاندان‌های آرامی داریم که این خاندان‌های سلسله‌ای قبیل‌های هستند و به استثنای عتالیا، هر پادشاهی در سلسله‌ای که در کتاب مقدس به عنوان سلسله پادشاهان معرفی شده است، از پدر به پسر در خاندان داوود است. بنابراین، کوچکتر و ضعیف‌تر از خاندان شمالی است.

ما این را از نظر باستان‌شناسی، حتی جدا از بحث‌ها، بر اساس معماری تطبیقی و الگوهای سکونتگاهی شناسایی می‌کنیم. اما من می‌گویم تصویر کتاب مقدس را مقایسه کنید؛ دلیل اینکه ممکن است کمی به عقب برگردیم یا چیزهایی را در متن بخوانیم که وجود ندارند، به دلیل اهمیت فرقه‌ای اورشلیم است. زیرا اورشلیم معبد یهو، خدای ملی هم برای شمال، هم برای اسرائیل و هم برای جنوب بود.

و بنابراین، از آنجا که اولین معبد ملی در اورشلیم بود، به همین دلیل است که در متون از آن تجلیل می‌شود و همچنین بیشتر از پادشاهی شمالی دوام می‌آورد. بنابراین داستان پس از ۷۲۲، ۷۲۱ ادامه می‌یابد. یکی از بزرگترین پادشاهان جنوب، یهو، پادشاه حزقیا است، و باور کنید یا نه، ما در واقع یک مهر از کسی جز خود پادشاه نداریم.

سپس از یک مهر سلطنتی از پادشاه حزقیا نیز استفاده شد؛ ما مهر دیگری داریم که مربوط به سال‌ها پیش در بازار عتیقه‌جات است و سپس تأیید شد زیرا یکی از آنها را در محل خود در کاوش‌های باستان‌شناسی پیدا کردیم. داشتن مهری از پادشاه حزقیا در کتاب مقدس بسیار هیجان‌انگیز است. او همچنین در کتیبه‌های سناخریب از سناخریب، یک حاکم نئوآشوری که در سال ۷۰۱ پیش از میلاد از طریق این سرزمین‌های جنوب سناخریب از سناخریب کرد، شناخته شده است.

ما این داستان دراماتیک را در کتاب مقدس در پادشاهان و اشعیا داریم که فرشته خداوند درست در آستانه نابودی، یهو را از دست آشور نجات می‌دهد. و سپس به اسناد آشوری مراجعه می‌کنیم، و بحث و جدل‌هایی در مورد اینکه آیا این یک لشکرکشی بوده یا دو لشکرکشی وجود دارد و سعی می‌شود این موارد با هم جور در بیایند. اما در اینجا اشاره‌ای می‌بینیم که تنها چیزی که او می‌تواند بگوید این است که حزقیای یهودی را زندانی کرده است.

او به طور خاص از او با نام یاد می‌کند. او را به طرز معروفی مانند پرنده‌ای در قفس زندانی کرد، که یک بن‌مایه ادبی رایج از حتی دوران آمارنا و چیزهای دیگر است. اما او به جای اینکه شهرش را ویران کند و او را اسیر کند، او را در شهر سلطنتی خود زندانی کرده است.

بنابراین، دیدگاه‌های متفاوتی در مورد آن نبرد وجود دارد، اما حتی در سطح جزئیات، تطابق‌های قابل توجهی بین کتیبه‌های سناخریب و تصاویر کتاب مقدس وجود دارد. بنابراین، سناخریب می‌گوید که او 30 تالان طلا و تالان نقره به عنوان خراج از حزقیا دریافت کرده است، در حالی که در کتاب مقدس آمده است که 30 800 تالان طلا داده شده است، همانطور که در سناخریب گفته شده است، اما 300 تالان نقره داده شده است. بنابراین، تعدادی تطابق بسیار نزدیک وجود دارد.

و سپس شواهد باستان‌شناسی گسترده‌ای در مورد آماده‌سازی حزقیا برای حمله آشور وجود دارد. بنابراین، ما نوع خاصی از کوزه‌های علامت‌گذاری شده، کوزه‌های انبار، معروف به کوزه‌های لاملک برای پادشاه داریم که به نظر می‌رسد نشان‌دهنده نوعی تدارکات اقتصادی است که از مناطق داخلی به پایتخت می‌آمد تا برای حمله آشور آماده شود. ما حفر تونل حزقیا را داریم، این گسترش چیزی که ممکن است یک ترک طبیعی بوده باشد که آب‌های چشمه جیحون را برای محافظت از مکانی امن‌تر، احتمالاً امن‌تر، هدایت می‌کرد.

ما شاهد ساخت چیزی هستیم که به عنوان دیوار پهن شناخته می‌شود تا تپه غربی را که قبلاً بدون دیوار بود در بر بگیرد. برخی گفته‌اند که اورشلیم به دلیل فرار بنی‌اسرائیل از شمال در آستانه این حمله آشوری، با شاخص‌های بسیار متفاوتی، به طور قابل توجهی از نظر جمعیت گسترش یافته است. شاید واضح‌ترین ارتباط در باستان‌شناسی محوطه لاکیش باشد که بزرگترین پیروزی سناخریب بود.

از آنجایی که او پایتخت اورشلیم را تصرف نکرد، بیشتر به پیروزی خود بر لاکیش می‌بالد. ما این نقش برجسته‌های کاخ و کتیبه‌های باشکوه را داریم که شهر لاکیش را نشان می‌دهند و می‌توانند با باستان‌شناسی واقعی محل قرارگیری برج‌ها و رمپ، تخریب لاکیش و رژه اسیرانی که پیش سناخریب آورده می‌شوند، مرتبط باشند. و باز هم، ما این ارتباط و همبستگی را با چیزهایی داریم که واقعاً مناسب هستند.

بنابراین، این در رابطه‌ی مکمل باستان‌شناسی و کتاب مقدس است. برخی از جزئیات به صورت یک به یک نیستند، اما این تصویر بزرگ از همگرایی داده‌های کتاب مقدس و باستان‌شناسی را نشان می‌دهد. نکته‌ی دیگری که باید در مورد حزقیا به آن اشاره کرد این است که ما در کتاب مقدس و همچنین در اسناد مادی نشانه‌هایی داریم که نشان می‌دهد در زمان حزقیا و سپس در زمان یوشیا، که پس از او آمد، فعالیت کاتبان افزایش یافته است.

بنابراین، احتمالاً بسیاری از آثار کتاب مقدس در این دوره تألیف شده‌اند. حتی یکی از آنها در امثال حزقیا که در حال جمع‌آوری سخنان حکمت‌آمیز است، ذکر شده است. یهودا بیشتر از خواهر شمالی خود اسرائیل دوام آورد و در آن بازه زمانی، امپراتوری نئوآشوری را داریم که به طور ناگهانی به پایان می‌رسد.

این یکی از حقایق تکان‌دهنده‌ی تاریخ است که امپراتوری نئوآشوری در اوج خود تحت حکومت شخصی به نام آشوربانیپال بود، که در آن زمان پادشاهی می‌کرد و از مصر تا کناره‌های آناتولی، دریا و تمام بین‌النهرین گسترش یافت. و همچنین، در دوران اوج آنها، پایان پادشاهی آنها نیز فرا رسید، به طوری که ما دقیقاً مطمئن نیستیم که آشوربانیپال چه زمانی سلطنت خود را به پایان رساند. بنابراین، در این دوران آشفته در پایان امپراتوری آشور، مصر را نیز در میان داریم.

ما چندین قدرت دیگر هم داریم، اما در نهایت، امپراتوری نئوبابلی قدرت را به دست می‌گیرد و آنها پادشاهی آشور را به ارث می‌برند. آنها دیدگاه متفاوتی در سیاست خارجی دارند، بیشتر به دنبال تخریب هستند و همه

چیز را به پایتخت می‌آورند تا اینکه روی مکانیک استان‌ها سرمایه‌گذاری کنند. اما این بابلی‌ها تحت فرمان نبوکدنصر دوم بودند که در نهایت اورشلیم، از جمله معبد، را تصرف و ویران کردند.

آنها با موج اول در سال ۵۹۷ آغاز می‌شوند و سپس در نهایت به ویرانی ۵۸۷ یا ۵۸۶ پیش از میلاد می‌انجامند. ما در وقایع‌نامه بابلی، آن اولین حمله در سال ۵۹۷ را ثبت کرده‌ایم و حتی در بابل شواهدی از برخی ارتباطات عجیب با فهرست‌های جیره غذایی، و همچنین شواهد دیگری از یهودیانی که در آن زمان در بابل ساکن و ماندگار شدند، وجود دارد. ما نام‌هایی را در بایگانی‌های این دوره داریم.

بنابراین، بحث ما به اینجا می‌رسد، بحثی بسیار مختصر در مورد پادشاهی‌های بنی‌اسرائیل از روزهای آغازین تا تاریخ‌های موازی یهودا و اسرائیل. و ما اغلب فکر می‌کنیم وقتی به تاریخ و فرهنگ اسرائیل باستان نگاه می‌کنیم، همیشه این تمرکز بر نخبگان، پادشاهان، و جنبش‌های امپراتوری‌های بزرگ وجود دارد. بنابراین، در سخنرانی آخر، قصد دارم در مورد فرهنگ اسرائیل باستان به طور گسترده‌تر، ساختار اجتماعی آن صحبت کنم.

همچنین به برخی از روش‌های مختلف غذایی و سپس به مذهبی که بخش مهمی از وجود اسرائیل باستان بوده است، نگاهی خواهیم انداخت. و البته، به وارثان آن. ما وارث بخش زیادی از آن سنت هستیم.

من دکتر جاناتان گریر هستم در تدریسش در مورد باستان‌شناسی و عهد عتیق. این جلسه چهارم، پادشاهی‌های عبری است.